

سام بانی لایک ما

روایت‌هایی صمیمانه برای فهم بیشتر زبان روزمره نوجوانان

فاطمه ثمین قدیانی

نوجوانه



این روزها اگر پای صحبت بعضی از نوجوانان نسل زد بنشینید، احتمالا احساس می‌کنید به یک مترجم لغات انگلیسی نیازمندید. واژه‌هایی که مشابه آنها را فقط در بین هم‌سن و سال‌های خودشان می‌شود یافت واکثرا برای توضیح حالت‌های مختلف عواطف و یا توصیف یک موقعیت به‌کار می‌روند. این دسته از کلمات رسمی نیستند و در واقع در زبان انگلیسی به آنها «اسلنگ» و در فارسی «اصطلاحات عامیانه» گفته می‌شود. می‌توان گفت تفاوت در این نوع استفاده از واژه‌های عامیانه انگلیسی در نسل جوان و نوجوان این دهه با دهه‌های پیشین، علل گوناگونی دارد که می‌خواهیم در این گزارش به کمک چند نوجوان با همین ویژگی، بیشتر بررسی‌شان کنیم و علت این استفاده را از خودشان بشنویم.

«می‌شنوم، می‌گویم»

از واژه‌های انگلیسی در صحبت‌های روزمره استفاده می‌کردی؟ که در پاسخ می‌گوید: «آو کورس! ولی یه سری موارد پیش پافتاده است.» پرسیدم: «الان اوضاع زبان انگلیسی‌ات چطور است؟» با کمی خنده جواب می‌دهد: «نات‌گود. اکثرا نمره‌های خوبی در این زمینه ندارم اما اصطلاحاتی که امروزه از هم‌سن و سال‌هایم می‌شنوید را بلدم.» حالا می‌خواهم بدانم چطور است که فردی با وجود خوب نبودن زبان انگلیسی‌اش می‌تواند از اصطلاحات این جنبی استفاده کند: «اصلا این واژه‌ها، چگونه وارد صحبت‌های روزمره‌ات شد؟» و گفت: «بعضی واژه‌ها از قدیم جاقفاده است و برای الان نیست اما بعضی واژه‌ها هم جدیداً به‌تازگی در حال جاقفاد شدن در دایره لغات نسل جوان و نوجوان است اما برای خود من، معمولاً اول آنها را در فضای مجازی و بعد در مدرسه از زبان رفیق‌هایم می‌شنوم. بعد از مدتی به خودم می‌آیم و می‌بینم که من هم دارم از این واژه‌ها استفاده می‌کنم.»



رفته بودم به یکی از دوستانم که در یک محله زندگی می‌کنیم سری بزنم. او دو برادر دارد، که آن‌روز برادر کوچک‌ترش، عرفان هم در خانه بود. دقیقاً در زمانی که فکر می‌کردم برای صحبت کردن در این زمینه از چه کسی می‌توانم کمک بگیرم، در میان صحبت‌های عرفان متوجه حضور واژگانی چون (کامان)، (اورپچ) و... شدم. او می‌توانست نفر اول این شماره «یکی مثل ما» باشد. عرفان دانش‌آموزی هفده‌ساله است و هنوز یک سال دیگر برای پایان تحصیلاتش در مدرسه باقی مانده و اتفاقاً به‌گفته خودش زبان انگلیسی‌اش هم اتفاقاً زیاد خوب نیست اما خواهرش می‌گوید در طول روز از کلمات عامیانه انگلیسی یا همان Slang زیادی استفاده می‌کند. از این در صحبت را شروع کردم: کلاس زبان انگلیسی رفتی؟ پاسخ داد: «آره از بچگی قبل از این که برم مدرسه، مهدکودک اور سام‌تینگ، وارد لنگوچ اسکول شدم.» احساس می‌کردم این امر که پیش از شناخت ادبیات زبان مادری، او را با زبان انگلیسی پیوند داده‌اند، در این موضوع بی‌تأثیر نیست. به همین خاطر پرسیدم: «آن موقع جدا از زمان حضور در آموزشگاه،

شما چرا؟

کلمه استفاده می‌کردم، متوجه نمی‌شد. باید حواسم را جمع می‌کردم که از اصطلاح خاصی استفاده نکنم و یا اگر استفاده می‌کردم مفهومش را برایش توضیح بدهم. در مدرسه هم همین است و اینترکشن (یا تعامل) با دبیرها برای من سخت است و نمی‌توانم خود واقعی‌ام باشم. کلاً انگار با دبیرهایی که زبان‌شان خوب است بیشتر رفیق هستیم و اینترکشن داریم.» حالا موضوع جدی‌تر و کمی پیچیده شده است. سؤالی برایم پیش می‌آید: «حس نسبت به این چندزبانه بودن چیست؟ به فکر تغییر آن هستی یا با آن مشکلی نداری؟» می‌گوید: «مقداری باعث نگرانی‌ست و من را مضطرب می‌کند که نکند یک روز نتوانم آن قدر که باید با زبان مادری ارتباطی خالص برقرار کنم. خیلی وقت است کتاب یا حتی شعر فارسی نخوانده‌ام. هرچه بوده انگلیسی بوده. فعلاً مشکلی ندارم و به تغییرش فکر نمی‌کنم.»

به عنوان سؤال آخر می‌خواهم از او درباره نمرات زبان مدرسه‌اش بپرسم: «نمره زبانت در مدرسه چند است؟»

این‌طور جواب می‌دهد: «زبان مدرسه‌ام زیاد خوب نیست. امتحان زبان در مدرسه بیشتر به گرامر و دیکشنش می‌پردازد اما من در اسپیکینگ و لیستنینگ خوب هستم»



برای پی‌بردن بیشتر به این موضوع به سراغ نگار می‌روم. نگار هم هفده‌ساله است و تقریباً یک سوم از کلماتی که در روزمره‌اش به‌کار می‌برد، انگلیسی هستند و از چهارده سالگی، استفاده از کلمات انگلیسی در صحبت‌هایش بیشتر شد.

از او می‌پرسم: «چرا تا قبل از آن کمتر از لغات انگلیسی استفاده می‌کردی و الان بیشتر شده است؟» می‌گوید: «من همیشه در سوشال مدیا با آهنگ‌ها، کلیپ‌های طنز و یا فیلم‌های انگلیسی سروکار دارم. دوستانم هم به همین شکل صحبت می‌کنند و قطعاً خیلی تأثیر دارد و طبیعی است که ذهن من به این موضوع عادت کرده باشد.»

تقریباً می‌توانم بگویم تأثیر فضای مجازی بر این موضوع، از موارد مشترک

میان صحبت‌های نگار و گفت‌وگوی قبلی است. حالا اگر در مقابل کسی باشد که

زبان انگلیسی خوبی ندارد چه؟

برای همین می‌پرسم: «تابه حال

شده در معاشرت با کسی که زبان

انگلیسی‌اش ضعیف است، دچار

مشکل در ارتباط بشوی؟»

نگار جواب می‌دهد: «یک دوستی

دارم که به زبان انگلیسی تسلطی ندارد.

در اوایل دوستی‌مان، این‌را که من طبق

عادت روزمره در صحبت‌هایم از کلی اصطلاح و

یادداشت



زبان فراتر از کلام

امیرعلی حبیبی

گفتاردرمانگر

(آسیب‌شناس گفتار و زبان)



وقتی شما به عنوان یک دانشجوی گفتاردرمانی (آسیب‌شناسی گفتار و زبان) وارد دانشگاه می‌شوید، متوجه می‌شوید که زبان و صحبت کردن چیزی فراتر از کلمات است و پیچیدگی‌های بسیار زیادی دارد. زبان به عنوان یک پدیده صرفاً انسانی نه تنها شامل توانایی تولید صداها و کلمات است، بلکه به مجموعه‌ای از مهارت‌ها و فرآیندهای پیچیده ذهنی و اجتماعی وابسته است (مهم است بدانیم که هیچ حیوان و موجود دیگری در دنیا از لحاظ علمی، زبان ندارد و فقط سازوکارهای ارتباطی دارند). این پیچیدگی به حدی است که هنوز در مورد سازوکار مغزی آن و اتفاقاتی که بین نورون‌های مغزی و حتی ماهیچه‌های ما رخ می‌دهد، اطلاعات کافی وجود ندارد. به همین دلیل، دانشمندان و محققان در این حوزه گاهی به فرضیات و نظریه‌هایی متوسل می‌شوند که ممکن است از واقعیت فاصله داشته باشند. در دنیای امروز یکی از چالش‌های مهم حوزه سلامت و جامعه، آسیب یا اختلالات زبانی است. اختلالات زبانی به شرایطی اطلاق می‌شود که در آن فرد در تولید یا درک زبان دچار مشکل می‌شود. این اختلالات می‌توانند ناشی از آسیب به نواحی خاصی از مغز (مانند بروکا و ورنیکه) باشند که مسئول زبان هستند اما صرفاً آسیب به این نواحی نیست که اختلالات زبانی را ایجاد می‌کند بلکه اختلالات زبانی می‌توانند در هر سنی و به دلایل متفاوتی، از جمله ژنتیک، بیماری‌های زمینه‌ای و شرایط محیطی به وجود بیایند. یکی از مهم‌ترین زمینه‌های ایجاد آسیب‌های زبانی به خصوص در کودکان، وضعیت محیطی است که شامل فضای خانه و مهدکودک و روابط بین فردی اعضای خانواده می‌شود.

در سال‌های اخیر، یکی از مسائلی که به شدت روی بورس است و کودکان (و نوجوانان) آینده را درگیر خود کرده، مهدکودک‌های دوزبانه است. اصرار به یادگیری زبان دوم در سنین پایین، به‌ویژه زمانی که زبان مادری هنوز به‌طور کامل شکل نگرفته، می‌تواند منجر به درهم‌ریختگی‌های زبانی شود. در چنین شرایطی، کودک ممکن است با کلمات و ساختارهای زبانی متعددی روبه‌رو شود که توانایی‌های زبانی او را مورد دست‌ورزی قرار داده و آن را با چالش مواجه می‌کنند و این موضوع می‌تواند رشد و تشکیل زبان مادری را به تأخیر بیندازد یا حتی متوقف سازد.

این اختلالات زبانی تنها به تولید کلمات محدود نمی‌شود، بلکه می‌تواند بر مسائل گسترده‌تری مانند شناخت و درک و پردازش احساسات کودک نیز تأثیر بگذارد. کودکانی که در یادگیری زبان دچار مشکل هستند، ممکن است در بیان احساسات و نیازهای خود به‌طور کلامی با چالش‌های جدی مواجه شوند. این مشکلات می‌تواند به انزوا و احساس عدم تعلق در محیط‌های اجتماعی منجر شود.

از طرفی، آسیب‌های زبانی ایجاد شده می‌تواند در دوران نوجوانی فرد را با مسائل متعددی مانند عدم توانایی ابراز درست احساسات به‌صورت کلامی، مشکلات تحصیلی و دشواری‌های ارتباطی ناشی از عدم توانایی در درک درست استعاره‌ها و کنایه‌ها در زبان مادری مواجه کند. نوجوانان با اختلالات زبانی ممکن است در بیان افکار و احساسات خود دچار مشکل شوند و این موضوع می‌تواند بر روابط اجتماعی و تحصیلی آنها تأثیر منفی بگذارد. بنابراین، اهمیت توجه به فرآیند یادگیری زبان در سنین پایین و درک تأثیرات محیطی بر این فرآیند بسیار حیاتی است. این نکته به‌شدت مهم است که یادگیری زبان دوم باید به‌گونه‌ای صورت گیرد که به رشد زبان مادری آسیب نرساند و همچنین آغاز یادگیری زبان دوم با نظارت و مشورت یک گفتاردرمانگر همراه شود. همچنین در صورتی که احساس شود کودک یا نوجوانی در مسائل زبانی و گفتاری خود با چالش مواجه است، در اولین فرصت به گفتاردرمانگر مراجعه کند.